KAYNAK: T. Yazıcı-A. N. Tokmak-M. Kanar, ***Eski İran Nesrinden Seçmeler***, **s. 6**

**حکایت از جوامع الحکایات عوفی**

**فراست ِ ابو حنیفه**

در عهد ابو حنیفه مردی دیناری چند داشت و بر کس اعتماد نداشت که امانت نهادی، آن زر ببرد و در صرّه کرد و زیر درختی دفن کرد. بعد از مدتی بیامد و زر طلبید باز نیافت، با هرکسی که گفت هیچ کس درمان نداشت. او را به ابو حنیفه نشان دادند. بیامد و تقریر کرد. ابو حنیفه فرمود: تو باز گرد که من فردا زر تو حاصل کنم. پس به نزدیک طبیب رفت و گفت: بیخ فلان درخت اشارت کردید؟ یکی از ایشان گفت: یک ماه است که مردی بیامد و از آن علت شکایت کرد، من او را گفتم: بیخ فلان درخت ترا سود دارد. ابو حنیفه کس فرستاد و آن مرد را طلبید و به نرمی و درشتی او را مقر آورد و زر بستد و به وی داد.